

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگردان از: حمید بهشتی

۱۸ فبروری ۲۰۱۹

خطر جنگ داخلی در ونزوئلا

مصاحبه رادیو سپودنیک با پرفسور محسن مسرت*

<https://soundcloud.com/sna-radio/venezuela-so-unterstutzt-deutschland-einen-regime-change>

* کارشناس علوم سیاسی، محسن مسرت نسبت به حمایت از اپوزیسیون ونزوئلا از جاتب کشورهای اتحادیه اروپا اخطار داده است. اینکار می تواند امریکا را تشویق به دخالت نظامی، منجر به جنگ داخلی در ونزوئلا و خاورمیانه ای شدن درگیری ها در امریکای لاتین گردد.



سپودنیک – آقای پرفسور مسرت، کوشش فعلی برای کودتا علیه رئیس جمهور ونزوئلا، مادورو، امروز وارد سومین هفته خود می شود. شما وضعیت این کشور امریکای لاتین را چگونه ارزیابی می کنید؟

مسرت - سراسر این قاره وضع خوبی ندارد زیرا از قرار معلوم کوشش برای تغییر حکومت تنها محدود به ونزوئلا نیست. بر اساس آخرین اطلاعات رسیده، در امریکا اعتراف می شود که دولت های نیکاراگوئه و کوبا نیز با مدل مورد نظر دولت امریکا مغایرت دارند. رویکرد امریکا آشکارا بر این اساس است که نفوذ روسیه را به صفر تقلیل دهد، نه

فقط نفوذ روسیه بلکه همچنین نفوذ چین را. در این رابطه سخن از ایران نیز در میان است. از قرار معلوم آنها پروژه بزرگتری را در نظر دارند و این را نیز باید افزود که در ونزوئلا - و در نیکاراگوئه نیز - به گونه ای مشکلات تأمین مایحتاج عمومی و نارضایتی مردم از دولت مادورو وجود دارد و این قابل تفاهم نیز هست و اکنون قرار است این نارضایتی اهرمی شود، وسیله ای گردد تا از بیرون تغییر رژیم اعمال گردد. به هر حال برای دولت اوضاع خوب به نظر نمی رسد. زیرا اعمال مداخله از خارج با توجه به توازن قوای درونی در ونزوئلا از هر جهت بسیار خطرناک بوده و می تواند به جنگ داخلی منجر گردد.

رئیس فعلی حکومت، نیکلاوس مادورو، نیز در باره تهاجم امریکا علیه ونزوئلا سخن گفته و رئیس جمهور امریکا دونالد ترامپ در یکشنبه گذشته در مصاحبه ای ارسال نیرو به ونزوئلا را جزو احتمالات تلقی کرده است. در حالی که دونالد ترامپ اصلاً معروف بود به این که قصد دارد نیروهای ارتش را به امریکا بازگرداند، شما فکر می کنید احتمال یک چنین اقدامی چه قدر است؟

بعید به نظر نمی رسد. این را خود ترامپ نیز گفته است. اگر وضعیتی پیش آید که بخشی از نظامیان از دعوت گوایدو پیروی نموده و به جانب مقابل بپیوندند، در اینصورت در داخل ارتش و به خصوص رده های پائین پرسنل از مادورو حمایت شده و در صورت لزوم اسلحه به دست از او دفاع خواهند نمود؛ البته در صورتی که درگیری پیش تر با حصول تفاهم حل نگردد. آنگاه بعید به نظر نمی رسد که امریکا از طریق هوایی از نظامیان شورشی حمایت نماید. این امکان که نظامیانی در حال حاضر به دعوت گوایدو تحریک شده و به وی بپیوندند را می توان تصور نمود. این وضعیت را ما در گذشته نیز در سوریه شاهد بوده ایم. دقیقاً پس از موضعگیری بخشی از ارتش علیه اسد بود که درگیری بزرگی میان ارتشیان ایجاد گشت و درست پس از آن جنگ داخلی در سوریه آغاز گشت. یک چنین وضعیتی در ونزوئلا قابل تصور است.



امریکا و بسیاری از کشورهای غربی، از جمله المان، سیاستمدار اپوزیسیون، گوایدو را به عنوان رئیس جمهور دوران گذار به رسمیت شناخته اند. این اقدام را شما چگونه ارزیابی می کنید؟

بر طبق منشور ملل متحد از شخصی که سرخود، خود را به عنوان رئیس جمهور اعلام نماید - و این به خودی خود گویاست - هیچگونه مبنای حقوقی برای این که از خارج از وی حمایت گردد، وجود ندارد. این بدان معنی است که دخالت در امور داخلی سایر کشورها از منظر منشور ملل متحد مجاز نیست و این که این کار صورت می گیرد، که

وزیر امور خارجه آلمان، ماس، بانی آن گشته است، این اقدام بسیار بد و خطرناکی است، زیرا بدین صورت به دولت امریکا، به رئیس جمهور ترمپ چراق سبز داده می شود که آلمان از تعویض حکومت پشتیبانی می کند و این روش همیشه چراغ سبزی است برای دخالت نظامی. تا زمانی که اروپا با دخالت نظامی مخالف باشد، برای دولت امریکا به دست آوردن اجماع داخلی برای دخالت نظامی مشکل خواهد بود. اما در لحظه ای که از دولتهائی از اتحادیه اروپا – و اینجا از همه اروپا هم نمی توان سخن گفت، زیرا ۱۳ کشور از کشورهای عضو اتحادیه اروپا در این مورد از آلمان پیروی می کنند - در لحظه ای که درست از جانب اتحادیه اروپا از سیاست تعویض رژیم حمایت گردد، در این لحظه این خطر که اولاً درگیری تعمیق یافته و ثانیاً بر این که امریکا خود را برای دخالت نظامی محق یابد به شدت افزایش می یابد. بدین خاطر رویکرد برخی از کشورهای اتحادیه اروپا به نظر من به همان اندازه نادرست و خطرناک است که در جنگ یوگوسلاوی بود و نیز به همان اندازه که در جنگ لیبیا بود. در آن زمان نیز اروپائیان پیشگام شدند و حتی آنچه را امریکائیان، آنچه را هیلری کلینتن قصدش را داشت، انجام داده و موجب گشتند که رژیم لیبیا سرنگون شود، با تمامی عواقبی که امروزه آنجا ناظرش هستیم. بنابراین در صورتی که یک چنین عملی در امریکای لاتین صورت گیرد برای کل آن قاره فاجعه بار خواهد بود. در اینصورت ما ناظر خاورمیانه نمی شدن درگیری ها در امریکای لاتین خواهیم گشت.

اما اپوزیسیون ونزوئلا از انتخابات ریاست جمهوری در ۲۰۱۸ انتقاد داشته و اکنون خواهان تجدید انتخابات است. آیا این انتقاد بجاست؟ و نظر شما در باره خواست انتخابات جدید در ونزوئلا چیست؟

انتقاد به مادورو که نه فقط از جانب رهبر اپوزیسیون که خود را رئیس جمهور می داند صورت گرفته است، بلکه همچنین از سوی بخش بزرگی از مردم می باشد، این انتقاد ریشه های اقتصادی دارد. الگوی اقتصادی ونزوئلا که با یک کوشش جدی اجتماعی آغاز گشت، برای بیرون کشیدن توده عظیم مردم از فقر و برای تقویت قدرت خرید آنان بود. این اقدام بدون همراهی اقدامات تکمیلی صورت گرفت، بدون کوشش برای صنعتی شدن. با راهکاری که بدون اتکاء بر درآمد نفت سیاست اقتصاد ملی به پیش برده شود، این کار صورت نگرفت. آنها اعتماد کردند که با درآمد نفت همچنان مشکلات را حل کنند. و این راه همیشه ساده ترین گزینه هاست که با درآمد نفت – در کشوری که دارای نفت است، مسائل اجتماعی را حل کنند. و البته این جواب نمی دهد. یک چنین الگوی اقتصادی محکوم به شکست است. چاوز هم با انجام همین کار با مشکلات روبه رو بود. و حال برای مادورو مسائل ناشی از بوروکراسی نیز مشکل را بزرگتر ساخته اند. مقامات مسؤول دولتی و نظامی جیب های خودشان را پر کرده اند، آنها امکان ثروتمند شدن یافتند، به خاطر این که ساز و کارهای کنترول کننده نبود و دموکراسی وجود نداشت. به همین دلیل هم ما آنجا با یک الگوی اقتصادی بحرانی مواجهیم، با وضعیتی که به امور ضروری و مایحتاج مردم نمی تواند پاسخ دهد. این ها را باید صادقانه ابراز نمود.

طبیعتاً کسانی که می خواهند تمام دروازه ها را برای تصاحب صنعت نفت کشور توسط شرکت های بزرگ نفتی به روی امریکا بگشایند می کوشند از نارضایتی مردم که مخالفتشان قابل فهم است سوء استفاده کرده و از آن برای تغییر رژیم استفاده ابرازی نمایند. در اینجا باید گفت به هر حال یک چنین تغییر رژیمی و آنهم به کمک امریکا نباید صورت گیرد. مادورو باید سرانجام بکوشد این الگوی اقتصادی را که با شکست مواجه گشته است تغییر دهد. وگرنه حل مشکل به تعویق خواهد افتاد و یافتن راه حل لازم، برای افزایش قدرت خرید مردم، برای تقویت بنیه خرید در داخل، برای افزایش تولیدات و تأمین مایحتاج عمومی به پشت گوش خواهد افتاد. من به این که آیا از طریق انتخابات جدید این مشکل

حل شود شک دارم زیرا کوشش باید برای تغییر سیاست مدل اقتصادی باشد، نه تغییر گروه حاکم. اگر گروه جدیدی با همان الگوی اقتصادی پیشین به قدرت رسد، فقط با این تفاوت که امریکا نیز حق تعیین کنندگی داشته باشد، با اینکار اوضاع برای مردم به هیچ وجه تغییر نخواهد کرد.